



«فرهیختگان» از برگزاری نشست دانشگاه صنعتی امیرکبیر با موضوع کلان ایده سیاست خارجه ایران گزارش می دهد

# نداشتن ایده کلان معضل امروز سیاست خارجه کشور است

**دیدگاه‌های دوگانه؛ معضل سیاست خارجه ایران** ابوالفضل بازرگان درباره سیاست خارجه در کشورهای دنیا اظهار کرد: «در عرصه سیاست خارجی دنیا دکترین طولانی مدتی براساس المان‌های آن کشور مشخص می شود و در تیم‌های وزارت خارجه مختلف در حد تاکتیک‌ها، تغییر رویکرد رخ می دهد ولی راهبرد کلان تفاوتی نمی کند. بارزترین مثال تغییر دولت ترامپ به بایدن است که همچنان دکترین آمریکا رقابت با چین، مهار ایران و حمایت از اسرائیل است. اما متأسفانه در ایران متهم به ایدئولوژی‌زدگی هستیم، ما هر ۸ سال تغییر‌های خطرناک و غیرمنطقی انجام می‌دهیم و درک درستی از روابط بین الملل نداریم. یک سری دنبال کدخدا هستند و عده‌ای دنبال رفتن زیر بلوک چین مثل شوروی سابق، که آن هم اشتباه است.»

وی در ادامه گفت: «نگاه ما به منطقه و سیاست همسایگی ضعیف بوده و همچنان در دولت سیزدهم این روند ادامه دارد. امکان ندارد در منطقه خودمان تنش باشد و از ابرقدرت امتیاز گرفت. ابرقدرت از اختلافات منطقه‌ای برای منافع ملی خود استفاده می کند. این نظریه باری بوزان است. ما همواره گمان کردیم مشکل اگر با کدخدا حل شود مشکل منطقه‌ای هم برطرف خواهد شد. آیا این طور شد؟ در دولت فعلی گمان می کنیم با روسیه و چین یک تیم هستیم و مسائل منطقه‌ای دیگر اهمیتی ندارد و حل می شود. در توافق با عربستان اگر فشار چین نبود احتمالاً این روند مدت زیادی طول می کشید. نگاه به ترکیه و آذربایجان نیز چنین است!»

بازرگان با اشاره به دیدگاه‌های دوگانه اشتباه در کشور بیان کرد: «نکته بعدی که در کشور وجود دارد دوگانه‌های اشتباه است، برجام یا قرارداد ۲۵ ساله؟ برجام یا روابط با روسیه و چین؟ متأسفانه این چالش‌ها ناشی از حداقل ۳۰ سال عقب‌ماندگی نخبگان ما در سیاست خارجه است. ما دولت عادی نیستیم، یک دولت چالشگر هستیم و به واسطه چالشگری مسائلی به ما تحمیل شد، اما سیاست ما در امور بین الملل مغفلاانه و واکنش محور بوده است، در واقع روی موج‌های تحولات بین الملل سوار شده‌ایم و هر بلایی به سر ما آمده تازه تصمیم گرفتیم چه کنیم.»

وی گفت: «مثلاً در دولت اصلاحات موج جهان به سمت گرایش به غرب بوده است. ما کار عجیبی نکردیم که گرایش به همان سمت داشتیم. تا جایی جلو می‌رویم که بوش به ما می‌گوید محور شرارت! و بعد تازه به فکر حل مساله هستیم یا در دولت روحانی روند برجام بدون هیچ درک از هزینه‌فایده، آینده‌نگری و... روی موج عادی‌سازی روابط است.» پژوهشگر مرکز مطالعات راهبردی خاورمیانه تصریح کرد: «خواست‌های غرب از ایران نیز کاملاً امنیتی و نظامی است. اما این شیفتگی و صفر و صد بودن اشتباه است. شاید نتوانیم سیاست متوازن را در قبال آمریکا انجام دهیم. اما بر هندو ترکیه که می‌توانیم اعمال کنیم. سیاست فعالی که فضای بین الملل بر خلاف ۱۰ سال پیش به ما اجازه‌اش را می‌دهد. فرصت‌های بسیار زیادی است که با سرعت زیاد دولت‌های مختلف درحال انجام آنها هستند. فرصت‌هایی که انجام‌شان در ۱۰ سال قبل از محالات بود اما اکنون با سرعت در حال تغییر است. مثل درخواست ترکیه عضو ناتو برای پیوستن شانگهای یا تمایل عربستان به چین و...»

بازرگان در پایان بیان کرد: «علی‌رغم تمام خبرهای خوب، اما میزان فعالیت کشور ما نسبت به سرعت تغییرات در نظام بین الملل خیلی کم است. این بیشتر ناشی از موج‌های شرایط گذار است که دم در خانه ما آمده است و خیلی ربطی به سیاست فعال ما ندارد. در عین حال وقتی این فرصت‌ها از دست برود قطعاً به تهدید تبدیل می شود. چون رقیبان ما فرصت‌ها را می‌ربایند و علیه ما استفاده می‌کنند. بعد می‌گوییم چرا افلان کشورها ما را دور زدند!»

همکاری» حرکت می کند و به قول مقاله اخیر نشریه اکونومیست اصلاً نمی‌توانید بفهمید چه کسی دوست کیست و چه کسی دشمن! حتی چین به‌عنوان بزرگ‌ترین رقیب آمریکا به‌طور کامل در این بلوک‌بندی‌ها قرار نگرفته است. با توجه به بحران اوکراین، روسیه مجبور به رویکرد سرد با اروپاست، اما روند روابط با رژیم اشغالگر قدس کامکان خوب است. مهم است که دقیق بفهمیم تا بتوانیم درست سیاستگذاری کنیم.»

پژوهشگر مرکز مطالعات راهبردی خاورمیانه بیان کرد: «با توجه به اینکه کشور ما نیز یک کشور خاص است. کشوری که تحت تحریم‌های ظالمانه قرار دارد و هنوز عده‌ای با صراحت معتقدند آب خوردن کشور هم با برجام حل خواهد شد.»

#### سیاست خارجی ایران فاقد یک ایده کلان است

روح الامین سعیدی با اشاره به معضلات سیاست خارجی کشور تصریح کرد: «یکی از مشکلات اساسی سیاست خارجی ما این است که همچنان فاقد یک ایده کلان است. یعنی یک اجماع نخبگانی بین مسئولان و حتی سطوح پایین تر درباره اینکه با مساله سیاست خارجی می‌توان چه کرد، به‌وجود نیامده است. متأسفانه با گذشت ۴۴ سال از انقلاب، حرکت‌های زیگزاگی با تغییرات دولت داریم و این عجیب است. در یک دولت برجام مهم‌ترین مساله است و دولت بعدی اساساً چرخش به سمت شرق رخ می‌دهد. فرض کنید دولت فعلی به هر دلیل چهارساله شد. شما خواهید دید دوباره ارتباط با شرق کم‌رنگ خواهد شد و همکاری با غرب محوریت پیدا می کند.»

وی ادامه داد: «این حرکت زیگزاگی نشان‌دهنده دل‌آلآن اجماع نخبگانی است. بالاخره جمهوری اسلامی خود را چه چیزی تعریف می کند؟ یک کنشگر امنیتی، کنشگر سیاسی یا... و سوال بعدی این است که دنبال قدرت‌گیری منطقه‌ای است یا جهانی؟ تا بر سر این مسائل اجماع نخبگانی شکل نگیرد مساله سیاست خارجه حل نمی‌شود. در بسیاری از کشورها مانند چین این چالش برطرف شده است، بنابراین می‌بینیم چین خود را کنشگر اقتصادی تعریف کرده و در هیچ یک از پرونده‌های امنیتی غرب آسیا وارد نمی‌شود. به همین دلیل دنبال درگیری نظامی نیست. چین خود را کنشگر اقتصادی می‌داند. هنگامی که هویت ما در عرصه سیاست مشخص نشود ایده مشخص نخواهد شد. جمهوری اسلامی با توجه به هویتش که یک کنشگر ایدئولوژیک است مسائلی از جمله چندجانبه‌گرایی، همکاری‌های منطقه‌ای، روابط با شرق و... .

. برایش پرنگ تر است.»

سعیدی بیان کرد: «چالش اساسی ایران به دلایل ایدئولوژیکی ممکن است هرگز با آمریکا حل نشود بنابراین قطعاً همکاری‌های شرقی برای ما اولویت دارد ولی همه این مسائل مستلزم یک اجماع نخبگانی است. به‌عنوان مثال در مورد همکاری با روس‌ها و چینی‌ها دچار تعارضاتی می‌شویم که ناشی از عدم درک واقعیات صحنه بین‌المللی است. مثلاً اگر پوتین با رهبری دیدار کرد و بلافاصله به دیدار نتانیا‌ه‌ورقت ما نازحت می‌شویم. این احقانه است. قرار نیست پوتین طرفدار ایدئولوژیک ما شود. مگر چین و روسیه قرار است سیاست خود را از پاستور اتخاذ کند؟ آنها هیچ‌وقت مولف راهبردی ما نیستند. در واقع پوتین مهم‌ترین دغدغه‌اش افزایش قدرت روسیه است.» وی افزود: «چین خود را مولف راهبردی ما نمی‌داند و خود را در تراز جهانی تعریف می کند درحالی‌که ایران قدرت منطقه‌ای است. دیگر دوستی و دشمنی مطرح نیست و عدم درک مسائل حیاتی ما را به تصمیمات نادرست سوق می‌دهد یا در ادامه مواضع درست نمی‌بینیم. برای مثال آیا به روسیه پهباد دادیم یا خیر؟ براساس تحلیلی به این رسیدیم که پای روسیه بایستیم ! پس باید پای تصمیمات خودمان نیز بایستیم. نگاه به شرق یا غرب مستلزم اجماع نخبگانی و رسیدن به آن کلان ایده مدنظر است. این اقدامات دولت نیز تحول عجیبی نیست، همچنین به معنی تحول نخواهد بود. مشکل فقدان کلان ایده است.»

چه از منظر ژئالیستی چه از دیدگاه ساختارها و روندها و چه از منظر انگاره‌ها از بین رفته است. و الان در یک دوران گذار با مشخصه‌های بسیار پیچیده قرار گرفته‌ا؛ اما اینکه نظم جدید ثبات پیدا کرده باشد، هنوز مشخص نیست.» وی ادامه داد: «این روند اساساً مساله جدیدی نیست و در طول تاریخ بارها رخ داده است. ما اکنون به لطف سخنان رهبری در سال گذشته که مساله نظم جدید نظام جهانی را مطرح کردند، شاهد برگزاری اجلاس و هم‌اندیشی‌های بسیاری در این خصوص هستیم. اما واقعیت این است که اتفاق این موضوع را دیر متوجه شدیم، حتی در بین کشورهای منطقه شاید آخرین کشوری باشیم که متوجه این موضوع شده‌ایم. حال مساله این است که آیا این موضوع را به درستی فهمیده‌ایم یا خیر؟ این روند تغییر نظم سال‌هاست در اندیشکده‌های آمریکایی مطرح شده و مساله «خیزش چین» دهه‌هاست در حال مطرح شدن است. کنت والس و رابرت کندی و... هم این مباحث را عنوان می‌کنند. مباحث ویژه‌ای هم به‌خصوص بعد از بحران مالی ۲۰۰۸ آمریکا مطرح شد. برگزیت، کرونا، ترامپ و... همه المان‌های این تغییر هستند.»

بازرگان افزود: «متأسفانه در سیاست خارجی، ما کامکان درگیر مباحث قدیمی سیاست خارجی هستیم. مثلاً مرحوم ابومحمد عسگرخانی در زمان برجام دلایل عده‌ای برای مخالفت با برجام داشت، اما این مساله جالب است که می‌گفت این جنس تعاملات برای الان نیست. معلوم نیست چندسال آینده جهان به چه سمتی خواهد رفت. که اتفاقاً او مورد تمسخر و حمله هم قرار می‌گرفت. همچنین اگر به گذشته‌نگاهی کنید، متوجه خواهید شد زمانی که ما درگیر برجام و اینستکس بودیم سخنان مکرون را درباره چین و روسیه با محتوای اینکه نباید همه تخم‌مرغ‌ها را در سبد آمریکا گذاشت یا نباید روسیه را عصابی کرد و... را می‌شنویم. اما همان موقع در حوزه سیاست خارجی ما معتقد بودیم باید کار را با کدخدا ببندیم.»

پژوهشگر مرکز مطالعات راهبردی خاورمیانه با اشاره به تاخیر در فهم مسائل توسط مسئولان در ایران بیان کرد: «عربستان، ترکیه و امارات را ببینید. قراردادهایی که با چین در رابطه با مسائل مختلف عقد کردند متعلق به سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷... است. درحالی‌که ما حواس‌مان به این مسائل نبود. بنابراین افتخار ندارد که الان به فکر نظم جدید افتادیم. باید خیلی سریع از این ابتدائیات عبور کنیم و به این خلأهایی که از دست داده‌ایم و تبدیل به تهدید شده، بپردازیم.»

وی در ادامه گفت: «نکته بعدی اینکه المان‌های قاعده نظم جدید برای شناخت مهم است. این المان‌ها نباید مترادف با یک‌سری المان‌های گمراه کننده سیاسی قرار گیرد. مثل دلارزدایی، فروپاشی آمریکا، زمستان سخت و... . این اصطلاحات بیشتر آمال و آرزوست که اشکالی ندارد در مجامع سیاسی و اقناعی گفته شود اما در حوزه سیاستگذاری نباید دچار این اشتباهات شویم. افول آمریکا واقعیت است اما نه به معنی فروپاشی آمریکا! این اصطلاح نسبی است، نسبت به «خیزش چین». به معنی بی‌قدرتی آمریکان نیست، بلکه در نسبت به سایر کنشگران کمتر شده است. این به معنی تضعیف نیست.» بازرگان درباره نحوه تغییرات جهانی اظهار کرد: «نکته چهارم این است که تغییر در نظم جدید جهان چه خاصیتی دارد؟ آیا قرار است شبیه به عصر جنگ سرد و بلوک‌بندی ایجاد شود؟ آیا چرخش از غرب به شرق به معنای رویارویی این دو قدرت است؟ آیا قرار است دوباره دوستی‌ها، دشمنی‌ها و ائتلاف‌ها شکل بگیرد؟ در اوایل بحث گفتیم هژمونی آمریکا تمام شد و این مساله باید پذیرفته شود. ترکیه عضو ناتو روابط نزدیک با روسیه دارد، هند و عربستان نیز همین طور؛ اما در عین حال آیا ما در روندهای کنونی نشانه‌ای از بلوک‌بندی می‌بینیم؟ یا دوستی‌ها و دشمنی‌های ثابت؟»

وی ادامه داد: «بنده چون بایدند به نئورئالیسم‌شک‌های هستم معتقدم نظام بین الملل به سمت روابط شبکه‌ای و «رقابت در عین

کنشگران جدید باعث شده دیگر ساختار نظام بین الملل کاملاً غربی نباشد. در واقع همچنان نظام یک چند قطبی حاکم است و دیگر تک‌قطبی نیست.»

وی افزود: «جوزف نای از پراکنش قدرت نیز صحبت می کند که ما از صرف کنشگران دولتی خارج شدیم و با انبوهی از کنشگران غیردولتی مواجهیم. عرصه شلوغ شده است و انبوهی از شرکت‌ها و NGOها و حتی افراد در حال نقش آفرینی هستند. بنابراین شاهد تغییر در آرایش کنشگران هستیم. اگر صرفاً کنشگران دولتی را ببینیم در حال مشاهده غربی‌زدایی از نظام بین الملل هستیم. برای مثال هند اکنون بزرگ‌ترین معامله تاریخ هوانوردی جهان را به ارزش ۵۵ میلیارد دلار انجام داده است. یعنی برای نظام بین الملل آینده حرف‌هایی برای گفتن دارد.»

وی بیان کرد: «از منظر لیبرالی هم در نظر بگیریم. لیبرال‌ها هم تغییر در ساختار را در نظر می‌گیرند هم تغییر در الگوها و روندها را. اگر الگوی تعامل را بخواهیم مدنظر قرار بدهیم، اکنون دارد از نرم‌افزار لیبرالیسم صرف نظر می‌شود. یعنی الگوی تعامل بین الملل صرفاً لیبرالیسم نیست. خصوصاً از سال ۲۰۰۸ اعتبارزدایی از لیبرالیسم شروع شد. بسیاری از کشورها به اعتبار لیبرالیسم و چیزی که تحت عنوان سرمایه‌داری کاپنویی (یعنی خلق ثروت در سفته‌بازی و مقررات‌زدایی از عرصه تجاری) از آن یاد می‌شد شک کردند.»

سعیدی با اشاره به الگوهای جهانی در حال ظهور گفت: «امروز الگوهای بی‌بدیلی در حال مطرح شدن است که مهم‌ترین آن الگوی چینی است. اجماع یکن در برابر اجماع واشنگتن در حال تقویت بوده و الگوی چینی شامل بازار آزاد اما نه دموکراسی بلکه اتوکراسی است. یعنی دولت غیردموکراتیک ولی مقتدری مثل چین که تردید ایجاد کرده است درباره رابطه علی بین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی. امروز بسیاری در حال گرایش به الگوی چینی هستند.»

وی افزود: «بنابراین الگوهای تعامل نیز در حال تغییر است و جهانی شدن لیبرالیسم هم خدشه دار شده و کشورها به منطقه‌گرایی تمایل دارند. بریکس و شانگهای و... در این مفهوم در حال تعریف هستند. زیرا ما با یک تناقض جدی در عرصه تجاری مواجهیم، در عرصه جهانی همکاری‌ها دشوار شده است، مثلاً مذاکرات دوحه مدت‌هاست پیشروی خاصی ندارد. خیلی از کشورها به فکر همکاری منطقه‌ای افتاده‌اند و همکاری‌های منطقه‌ای ارج‌بته‌تری یافته‌اند.»

سعیدی اظهار کرد: «اگر از دید سازه‌انگاری هم نگاه کنیم، تغییرات کنونی از منظر مفهومی و تغییرات انگاره‌ای است. چون سازه‌انگاری بیشتر به تغییرات مفهومی و ذهنی اشاره می‌کند معانی جاافتاده و انگاره‌های تعریف هویت در حال تغییر است. انگاره غرب مسلط و شرق سلطه‌پذیر متحول خواهد شد. شما شاهد انگاره مقاومت در جهان جنوب هستید. در محور مقاومت اسلامی به شکلی و در آمریکا لاتین به شکلی جهان شرق در برابر غرب مقاومت می‌کند. به‌عنوان مثال روسیه بیشتر هویت خود را در شرق تعریف می‌کند. تغییرات هویتی و انگاره‌ای در حال اتفاق است. این تغییرات برای کشوری مانند ایران که یک کشور تجدیدنظرطلب است، از یک طرف می‌تواند رجاهایی داشته باشد اما از طرف دیگر اگر از گردونه رقابت دور بماند نیز ممکن است خسارت‌بار شود.»

#### پژوهشگر مرکز مطالعات راهبردی خاورمیانه:

**اقدامات ایران نسبت به تحولات جهانی دیر هنگام است** ابوالفضل بازرگان با اشاره به تغییرات جهانی در دوران گذار بیان کرد: «اصطلاح درستی که دکتر سعیدی به کار بردند دوران گذار است که ما در محافل از آن به‌عنوان نظم جدید یاد می‌کنیم. اما نظم جدیدی هنوز شکل گرفته و المان‌های نظم جدید مشخص نیست. آنچه قطعی است نظم قدیم آمریکا محور

#### امیر حسین کشانی

فعال دانشجویی

سیاست خارجه در واقع مجموعه اقدامات و موضع‌گیری‌های یک کشور در عرصه بین‌المللی است. کشورها در این حوزه هم‌زمان با اینکه نیاز است یک اصول و روند مشخصی را برای خود تعریف کنند، باید تحولات و تغییرات نظام جهانی که متأثر از عوامل زیادی است را نیز در نظر بگیرند. به همین جهت بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی امیرکبیر نشست تخصصی در خصوص کلان ایده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با حضور روح‌الامین سعیدی، استادیار دانشگاه امام صادق (ع) در روابط بین الملل و ابوالفضل بازرگان، دکتری روابط بین الملل و پژوهشگر مرکز مطالعات راهبردی خاورمیانه برگزار کرد. جلسه‌ای که جدا از بحث‌های به‌اصطلاح کارشناسان تئوریتی بنا داشت برای اولین بار به صورت تخصصی به کلان ایده سیاست خارجه بپردازد. مشروح این نشست را در ادامه می‌خوانید.

#### استادیار گروه روابط بین الملل دانشکده معارف اسلامی

و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع):

دوران گذار نظام جهانی را متحول خواهد کرد

روح الامین سعیدی، استادیار گروه روابط بین الملل دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) بیان کرد: «ما در نظام جهانی در دوران گذار هستیم؛ گذار

از یک نظم قدیمی به یک نظم در حال ظهور و این دوران گذار برای هر کشوری می‌تواند خوف و رجاها یا به اصطلاح فرصت‌ها و بحران‌هایی داشته باشد.»

وی ادامه داد: «وقتی درباره تغییر نظم صحبت می‌کنیم باید منظر تئوریک خود را مشخص کنیم. اصولاً دانشمندان به سبک مشخصی نگاه نمی‌کنند. اگر بخواهیم ژئالیستی نگاه کنیم، واقع‌گرایان بیشتر به استمرار و تکرار در نظم بین‌الملل معتقد هستند و به‌طور کلی آن را ماهیت آنارشیک یا بدون حاکمیت مرکزی می‌دانند. اگر برسیسیم تغییر در نظم چگونه رخ می‌دهد خواهند گفت در ساختار نظام بین‌المللی و تغییر در کنشگران صحنه به‌خصوص کنشگران دولتی که این تغییر در توان آنها اتفاق می‌افتد؛ همان چیزی که ما به آن قطبیت می‌گوییم. تغییرات در نظام بین‌الملل به این شکل است و مساله تازه‌ای نیست.» سعیدی افزود: «تا قبل از جنگ جهانی اول و دوم یک ساختار چند قطبی در جهان به محوریت ۵ قدرت اروپایی حاکم شد. بعد از جنگ جهانی دوم تغییر در قطبیت داریم و نظم دوقطبی! در سال ۱۹۹۱ میلادی با فروپاشی شوروی نظام تک‌قطبی شروع شده و آمریکا تبدیل به تک‌قطب می‌شود. در اواخر دهه ۹۰ وارد وضعیت یک چند قطبی شدیم. همچنان آمریکا تک‌قطب است اما قدرت‌های دیگری ظهور کرده‌اند که آمریکا را خصوصاً در اقتصاد موازنه می‌کنند (چین، روسیه، برزیل و...) و جهان به سبک هیات‌مدیره‌ای اداره می‌شود. یعنی همچنان آمریکا رئیس هیات‌مدیره است اما نمی‌تواند تمام کنشگران صحنه را کنترل کند. فعال‌مایشاء نیست. در خیلی از عرصه‌ها مجبور است به بقیه کنشگران وزن و سهم بدهد، شورای امنیت سازمان ملل دیگر کاملاً در اختیار آن نیست و رژیم‌های اقتصادی و بین‌المللی همه کاره نیستند.»

استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) درباره نتیجه دوره گذار اظهار کرد: «پیش‌بینی می‌شود شاهد گذار از غرب به شرق باشیم. این آغاز خیزش شرق و انتقال کانون‌های قدرت و ثروت به شرق مساله جدیدی نیست و مدت‌هاست درباره آن بحث می‌شود. دانشمندان نئولیبرال مانند جوزف نای هم معتقدند آغاز غربی‌زدایی از معادلات بین‌الملل شروع شده است و ظهور

